

نسخه برگردان «مجمل الأقوال فی الحکم والأمثال»

مُجمَل الأقوال فی الحکم والأمثال / تألیف احمد بن احمد دُمَانِسی سیواسی؛ نسخه برگردان: ایرج افشار، محمود امیدسالار. - تهران: طلایه، ۱۳۸۱. ۳۶۶ص. (گنجینه نسخه برگردان؛ ۲)

ISBN 964-7751-15X

ایرج افشار، همکار بازنشسته و خستگی ناپذیر ما در تهران، به اتفاق محمود امیدسالار، مدیر کتابخانه یادبود جان. اف. کندی (دانشگاه دولتی کالیفرنیا، لس آنجلس)، در جلد دوم از مجموعه چاپ‌های عکسی دستنویس‌های فارسی، نسخه روشنگری به خط مؤلف از کتابخانه دانشور فقید، محدث ارموی، منتشر کرده^۱ و آن مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی است که تاکنون چندان شناخته نبوده و، چنانکه پیداست، بهره‌های بسیاری از زبان قرآن دارد. از این رو، مؤلف و کاتب آن برای استفاده خواننده و مراجعه‌کننده، یعنی، چنانکه هم‌اکنون نشان خواهیم داد، برای استفاده حکمران سیواس، در برابر هر یک از مواد عربی، به خصوص در برابر آیات، شرح میان‌سطری فارسی لفظ به لفظی به‌دست داده که به‌طور مورب نوشته شده است. این روش چنان می‌نمایاند که گویی به دوران صدر اسلام بازگشته‌ایم، به دوران فتوحات بدویان تحت فرمان «امیرالمؤمنین» در سده نخست هجری در نبرد با شاهنشاهی ساسانیان در ایران، یعنی هنگامی که ایرانیان مغلوب و تحت انقیاد به اسلام گرویدند و توأم با آن زبان عربی را که زبان وحی بود، برگرفتند و آموختند. می‌دانیم که این ایرانیان آثاری در قلمرو امثال و حکم نیز داشتند و در این عصر هم دارند و می‌دانیم که مؤلف نخستین مجموعه اساسی «امثال» عربی (!)، ابو عبید قاسم بن سلّام، از هرات، ایران دور (!)، برخاسته بود و پسر یکی از اسیران (بندگان) رومی، یعنی

بسیار داشتند، از مرجعیتی برخوردار بودند که هیچکس نمی‌توانست نادیده‌اش انگارد. این متخصصان استثنایی تقریباً همه روزه در درس خود - که برای رضای خدا و رسول بود - با زبان‌های بیگانه روبرو می‌شدند. تنها آن کنجکاو طبیعی نبود که آنان را در مقام مدرس بر آن می‌داشت تا گوش‌های خود را خوب باز کنند؛ عامل دیگر وظیفه‌شناسی و آگاهی از تکلیف مؤمن در آشنا کردن مستمعان و دانش‌آموزان با فهم و تفسیر اخبار و متن‌های به‌دست آمده از عصر پیامبر و از محیط خود بود. اهل ایمان، به خصوص در «دارالاسلام»، به سرعت تمام بر این مسأله که از نگاه دور دشوار می‌نماید، فائق آمدند. تازه در طی سده چهارم، هنگامی که خاندان‌های محلی در مقابل خلافت مرکزی قد برافراشتند و در قلمروهای ملی - مانند ایران - ادبیات مستقل رونق و شکوفایی یافت، «عربیت» از این ایالت‌ها و سپس نشست، چنانکه مثلاً در محدوده «آثار ادبی» محلی، جغرافیا، تاریخ‌نگاری و سیره‌نویسی. هجوم مغولان، فتح بغداد در ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م و همزمان پایان خلافت عباسیان در مرکز امپراتوری، وحدت جهان اسلام را از میان برد، گرچه تنها در ورای علوم اسلامی که از آن پس، همچون گذشته، جهان پهناور مؤمنان را - تا به امروز - به هم پیوند داده است.

احمد بن احمد بن احمد الدُمَانِسی «والد» السیواسی «مولدا» (برگ ۳ب)، محرر و مؤلف کتاب، نسخه حاضر را سه دهه و نیم پس از این واقعه سهمگین به پایان برد: [شنبه] غره ربیع الاول ۶۹۳/ ۳۰ ژانویه ۱۲۹۴ (گ ۱۶۲ب). او البته اضافه نمی‌کند که محل این واقعه کجا بوده است، ولی این را به راحتی می‌توان با توجه به این امر افزود که محل مزبور بایستی اقامتگاه فرمانروای ممدوح وی بوده باشد: در سیواس. او دو - سه دهه پیشتر در اینجا

✓ مشخصات اصلی مقاله چنین است:

Rudolf Sellheim, Eine unbekannte persische Sprichwörtersammlung. *Der Islam*, Bd. 81, 8, 243-248.

^۱ مشخصات انگلیسی کتاب چنین است:

Ahmad ibn-i Ahmad ibn-i Ahmad-i Domānīsī: *Mujmal al-aqwāl fi al-hikam wa al-amthāl*, composed and copied in 693 AH, ed. Mahmoud Omidisalar / Iraj Afshar, Tehran: Funding by Society for Promotion of Persian Culture (S.P.P.C.) / Indiana 2002. 24 S., 167 Bl., 6 p. (Persian Manuscripts in Facsimile No. 2, In Memory of Jalal - al - din Muhaddith [Ormawi]).



زاده شده است؛ پدر، برخاسته از دمانیس، محلی در نزدیکی تفلیس در ماورای قفقاز، و مادر، چنانکه از دعای رایج پس از نام مؤلف برمی آید، هر دو حیات داشته‌اند. سیواس یا سباستیا (Sebasteia) ی پیشین، در دره وسیع قزل ایرماق، هالوس (Halys) باستان، قرار گرفته است، یعنی در شمال خاوری آناتولی مرکزی. متأسفانه تاکنون توفیقی در شناسایی و معرفی این احمد مؤلف و گردآورنده در انبوه سرشار و رشک برانگیز کتاب‌های تراجم به دست نیامده است؛ نه ایرج افشار، مرد هوشمندی که در مقدمه خود^۲ خواننده علاقه‌مند به این نسخه پرمایه را از لابلای اثر با چیره‌دستی راهنمایی می‌کند، و نه من، حتی به یاری مجموعه یادداشت‌هایم که در طی ده‌های متوالی گردآوری شده است، در این امر کامیاب نشده‌ایم. در اینجا، فقط اشاره‌ای از بورسلی محمدطاهر (د: ۱۳۴۴/ق ۱۹۲۵م)^۳، بر مبنای کشف، که هم اکنون - نیز به اتفاق افشار - از نظر خواهیم گذرانند، به دست آمده است. احمد مورد بحث ما از نظر حاجی خلیفه (۱۰۱۷-۱۰۶۷/ق ۱۶۰۹ - ۱۶۵۷م)، مورخ بزرگ و جامع‌الاطراف عثمانیان، دور نمانده است.^۴ او در کشف‌الظنون^۵ از کتاب و مؤلف نام می‌برد و در کنار نسبت پدر، «الدمانیسی»، نسبت خود او، «السیواسی»، را - به یقین بر مبنای نسخه (گ ۳ ب) - می‌افزاید و باز بر مبنای نسخه خاطر نشان می‌کند که این کتاب فارسی برای «بعض اصحاب‌الدوله» از میان کتاب‌های امثال و لطایف ترتیب یافته و به تنظیم آمده است. نام این ممدوح صاحب دولت را می‌توان از روی خود نسخه (گ ۴ الف و ۳۰ الف) دریافت: «حسام‌الدوله و الحقّ و الدّین... مرتضی السّلاطین و مجتبی الخواقین ابوالمعالی» که از زمره بلند پایه‌ترین شخصیت‌های عصر

- «ملوک»، «امراء»، «وزراء» و جز اینان - است. اسماعیل پاشا بغدادی (۱۸۳۰ - ۱۹۲۰م)، یکی از ترکان معاصر، برای کشف حاجی خلیفه بزرگ که مرجع ضروری برای ادبیات عظیم اسلامی - عربی است، تکمله‌ای مفید فراهم آورده است، البته به ترتیب عکس؛ یعنی بر حسب نام‌های مؤلفان، نه عنوان‌های آثار، و آن هدیه‌العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین است که در ۱۹۵۱-۱۹۵۵ در دو جلد بزرگ در استانبول به چاپ رسیده.^۶ متأسفانه، مراجعه به آن در جستجوی احمد بن احمد سیواسی، گردآورنده نسخه مورد بحث ما، بی‌پوده است. باز گردیم به حسام‌الدوله ابوالمعالی، حکمران سیواس، که گرچه مورد ستایش احمد قرار گرفته است، ولی از نظر تاریخی دست یافتنی نیست. پس از هجوم ویرانگر مغولان به سرزمین‌های اسلامی و پیشروی بی‌وقفه آنان به سوی بغداد، مرکز خلافت عباسیان، که با درهم ریختن و نابودی ساختارهای حکومتی در خاور و باختر و همه اقوام و ملل همراه بود، شمال خاوری آناتولی مرکزی هم در امان نماند، بلکه در وضع نظامی - سیاسی دائماً متغیری فرو رفت، به طوری که در نیمه دوم سده ۷/ق ۱۳م سلجوقیان^۷ که زمانی عامل ثبات بودند، در سراسیب اضمحلال قرار داشتند. در این فراز و نشیب که با تقابل‌های قومی آن ناحیه پیوند داشت^۸ - حتی مملوکان مصر کوشیده بودند در این ایالت‌های دوردست مداخله نظامی کنند -، برخی رهبران، زمان را مناسب یافتند تا زمام امور را خود به دست گیرند و عامه مردم را که به خود واگذاشته شده بودند رهبری و، نیز مانند همیشه، اداره کنند؛ زیرا خاندان‌های پیشین دیگر قادر نبودند در شهر آنان و در ایالت کوچک آنان نفوذی به دست آورند. عاقبت، نخستین کسی که در

سیواس با پایه‌گذاری سلسله خود موفق شد زمام امور را به دست گیرد ارتنا (Eretna)، امیر دون پایه‌ای ویغوری تبار و پسرانش بود: از ۷۲۸/ق ۱۳۲۸م، ظاهر آياتکاء زیرکانه به مغولان^۹ احتمال می‌رود که احمد مورد نظر ما که در ۶۹۳/ق ۱۲۹۴م نسخه حاضر را به پایان برده و به حسام‌الدوله ابوالمعالی، فرمانروای بدفرجام، تسلیم کرده بود، شخصاً نیز او را دیده باشد. گنورگ ویلهلم فرایتاگ (۱۷۸۸ - ۱۸۶۱م)، نخستین گردآورنده غربی ضرب‌المثل‌های شرقی و ادبیات مشرق‌زمین، پیش از این به مؤلف نسخه تهران مورد بحث ما و اثر او اشاره کرده است. او در کتاب سه جلدی و پر محتوای خود با عنوان امثال عربی ابتدا معروف‌ترین مجموعه ضرب‌المثل‌های عربی، یعنی مجمع‌الأمثال میدانی (د: ۵۱۸/ق ۱۲۴۴م در نیشاپور)^{۱۰}، را با ترجمه‌ای لاتینی و تلیخیصی از شرح آن بر مبنای اصل عربی و نیز افزوده‌هایی مهم منتشر کرده است. در پی آن، از جمله مجموعه‌ای مرکب از نوشته‌های متنوع کلاسیک آمده که او از وجود آنها اطلاع یافته است و نیز بسیاری مواد ارزشمند دیگر، از جمله جدول‌ها و فهرست‌های بسیار مفیدی که با آنها می‌توان از محتوای گونه‌گون کتاب بهره برد. در جلد ۳، ۲، ۱۸۹، ش ۵ در خصوص تألیفی که پیش روی ماست چنین آمده است: مجمع‌الاقوال فی الحکم و الأمثال [با حروف عربی] "Collectio sermonum de sententiis et proverbiiis" auctore Alschehabo (Schehab - Aldin) Ahmede b. Ahli, qui notus cognomine Aldamamini Alsawasi anno 835 diem obiit. متأسفانه نمی‌توانیم در بایم که او این اطلاعات - هر چند نه همواره کاملاً - درست را از کجا آورده است. کشف‌الظنون حاجی خلیفه به تصحیح گوستاو فلوگل (۱۸۰۲ - ۱۸۷۰)

² P. 6-21.

³ Bursalı Mehmed Tâhir (d. 1344/1925), 'Osmânî mü'ellifleri (Istanbul, 1333/1914ff.), I. 291n.1.

⁴ cf. Oskar ReschER, *Die Hemziyye des Bûçîrî; der Diwân, Beiträge zur arabischen Poesie*, 8, 1/91 n. 12; O.S. Gökyay, *Kâtib Çelebi'den seçmeler* (Istanbul, 1968).

^۵ حاجی خلیفه، کشف‌الظنون (استانبول، ۱۹۴۱-۱۹۴۳)، ۲: ۱۵۹۷ و ۱۶۰۴.

^۶ ر.ک: نقد زلهایم، در: *Oriens* 8 (1955), 295-96.

⁷ cf. *El* 1 and 2.

⁸ cf. *El* 1 and 2 s. n. İlkhâne/s.

⁹ cf. *El* 2 and Sellheim, *Materialien zur arabischen Literaturgeschichte* (Wiesbaden, 1976-87), I, 144-45.

¹⁰ G. Freytag, *Arabum Proverbia* (Bonn am Rhein, 1838-43; reprint, 1968).



امروز اغلب دیده شده است - گروه‌های جنگجویان بیگانه را در جامعه موجود ادغام می‌کردند، به طوری که آنان ماندگار می‌شدند و دیگر از آن نواحی نمی‌رفتند. در اینجا، می‌توان پاسخی به این پرسش داد که چرا شرح میان سطری به فارسی نوشته شده است. خوب، زیرا مادر مؤلف احتمالاً ایرانی بوده و فرزند خود را با زبان مادری خویش پرورش داده است. این فارسی زبان شاعران و ادیبان بزرگ دیروز و امروز بوده است، زبان فرهیختگان به تمام معنی، با ادبیات سترگی که بسیار فراتر از مرزهای ایران زمین مورد تحسین قرار گرفته است. نه ترکان و نه مغولان از چنان ارزش‌ها و عناصر منحصر به فرد فرهنگی‌ای برخوردار نبودند که با آنها بتوانند در جوامع بومی و جوامع مسلط نفوذ یابند. دیگر آنکه این زبان فارسی زبان عربی را فراتر از نوشته‌های دینی، علمی، تاریخی، سیره و جز اینها، به عالی‌ترین شکل کمال بخشید، به ویژه که ایرانیان دیرزمانی پیش از اسلام دارای ادبیات و نیز تعالیم حکمت‌آمیز بودند.^{۱۱} شاید دیگر نیازی نباشد که وارد جزئیات محتوای کتاب شویم، زیرا، چنانکه پیشتر تأکید کردیم، خواننده در پرتو مقدمه نیکوی ایرج افشار با اطمینان از لابلای این مجموعه پرمایه هدایت می‌شود.

رودلف زلهایم (فرانکفورت/ماین)
ترجمه حسن سرو

به زمان‌ها و اقوام دور را برای زمان حال فراهم آوردند و برای درک و دریافت این جهان بس رنگارنگ که، اگر با صلح و صفا همراه می‌شد، زیبا هم بود، بدانها شکل بخشند. مجموعه اقوال و ضرب‌المثل‌های حاضر که در ۶۹۳ق/۱۲۹۴م برای خسام‌الدوله ابوالمعالی، حکمران سیواس، به اتمام رسیده، به زبان فارسی است، طبعاً با بسیاری اضافات و نکته‌های پراکنده به عربی، از قرآن و حدیث گرفته تا حتی شعر برگرفته از دوران پیش از اسلام. اینها با شرح‌های میان سطری لفظ به لفظ که به طور مورب در متن آمده، به فارسی برگردانده شده است، به طوری که فرمانروا این بخش‌ها را نیز که به موازات متن می‌خوانده است، می‌فهمیده و قادر بوده است مستقیماً دریافت‌های خود را از آنها برگزید. از این رو، این فرض پیش می‌آید که ابوالمعالی، مقام بلند پایه نظامی - سیاسی، تازه مدت‌ها پس از آنکه در مقام صاحب قدرت به انواع عنوان‌های عربی - اسلامی آراسته و ممتاز گردیده، با زبان وحی در کلیت آن آشنا شده است. زبان گفتاری پدر او را احتمالاً باید در ورای زبان عربی جستجو کرد، یعنی نزد آن اقوامی که پیش از مغولان یا همراه آنان از آسیای مرکزی برآمده و امپراتوری خلفای عباسی و دست‌نشانندگان آنان را با مرکز آن بغداد در میانه این قرن تصرف کرده بودند، اقوامی که اندکی بعد به اسلام و فرهنگ عالی آن گرویدند. زنان بومی در مناطق فتح شده و تحت اشغال معمولاً - چنانکه در تاریخ جهان تا به

با ترجمه لاتینی و جز آن (لایبزیگ - لندن، ۱۸۳۵-۱۸۵۸)، در ۱۸۴۳ (نک: بالا)، با مجلدی که در آن عنوان مجمع الاقوال... دیده می‌شود، هنوز به چاپ نرسیده بود. احتمالاً هرگز روشن نخواهد شد که چرا فرایاتاک مؤلف را با لقب شهاب آورده و آن را به «شهاب‌الدین» تصحیح کرده است و احمد مورد نظر ما را «ابن علی» و نه «ابن احمد» نامیده است و همچنین دماینی (صحیح: «دمانیسی») - سیواسی و نیز سال وفات او را ۸۳۵ (به یقین غلط چاپی به جای ۷۳۵) نوشته است. این راهم باید افزود که چنین خطاهایی در نزد این عالم فاضل و همواره برجسته در واقع نادر نیست - مثلاً رک: ص بعد: ۱۹۰، ۱۰ در خصوص سال وفات سیوطی: ۶۱۱ (صحیح: ۹۱۱) - هر چند اهمیت آنها هم زیاد نیست. سرانجام رک: فهرست بلند مندرج در ص ۴۱۹ - ۵۲۰: Addenda et corrigende ad Meidanii Corrigenda ad Tomum: ۵۲۰. tertium - Pars prior / Pars posterior. نباید فراموش کرد که دانشمندان در آن زمان باید به یک بار تصحیح بسنده می‌کردند - زیرا که ناچار بودند هزینه چاپ را خود تقبل کنند!! این بازننگری کوتاه در زندگانی عالمی در دهه‌های به اصطلاح «بیدرمایر» (Biedermeyer)* در سده ۱۹ به ما نشان می‌دهد که وضع در حوزه‌های علوم انسانی چگونه بوده است. حال دیگر لازم بود که تنها با قلم و کاغذ و کوشش‌های بی‌حد و حصر توأم با فروتنی و نیروی تمرکز عالی، فنون و دانش متعلق

* نام سبک و دوره‌ای در هنر و فرهنگ آلمان در حدود سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸ م.

^{۱۱} در نهایت درباره این موضوع، رک:

Wolfhart Heinrichs (ed.), *Orientalisches, Mittelalter*, in Klaus von See (ed.), *Neues Handbuch zur Literaturwissenschaft*, V (Wiesbaden, 1990); Mohsen Zakeri, in *Oriens* 34 (1994), 76-102.



189

۱۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم
و حسن توفيقه في تدوين هذا الكتاب المشتمل على
سنة اهل البيت و عساكن اربعين اهل البيت
بدر العترة الطيبة محمد و آل بيته
الحق سبحانه و الله اعلم
بفضلها و الخط و صفها
بالحمد و صلوات الله
على سيدنا محمد
و آله الطيبين الطاهرين

انجامة «مُجمل الاقوال في الحكم و الأمثال»، به خط مؤلف: احمد بن احمد دُمانيسي، ۶۹۳ق (قم، مجموعه شخصی مرحوم جلال محدث ارموی - کتابخانه تاریخ).